

---

## The Historical Monuments of Iranian Architectures as a PIR (Mentor) Idea

---

Sajad Moazen<sup>1\*</sup>, Reza Abouei<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of science and technology, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor, School of Arts & Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

(Received 6 Oct 2021, Accepted 1 Jan 2022)

The historical monuments of Iranian architecture are significantly alive and narrate the historical destiny of the Iranian nation. The utilization of metaphor to understand the spirit of place and referencing to the mystical literature of Iran determines the general framework in this article because spirituality is a vital aspect of the historic works of Iranian architecture. One of the most important reasons for writing this article is to study the unknown capacity of Iranian historical architectures to develop a correct interaction between humans and historical sites. The main purpose of this article is to provide a comprehensive definition of PIR as a concept beyond common knowledge and can be generalized to everything that has life and its adaptation to the historical monuments of Iranian architecture. John Ruskin says I want to highlight how the ineffable, unrepresentable, sensual, heterogeneous possibilities of contemporary cities are particularly evident in their industrial ruins. Ruins may become spaces for leisure, adventure, cultivation, acquisition, shelter, and creativity. The greatest glory of a building is in its age, when we build; let us think that we build forever. Let it not be for present delight, nor present use alone; let it be such work as our descendants will thank us for, and let us think, as we lay stone on stone, that a time is to come when those stones will be held sacred because our hands have touched them. Indeed, the greatest glory of a building is not in its stones, nor its gold. Its glory is in its age, and the deep sense of voicefulness, of stern watching, of mysterious sympathy, nay, even of approval condemnation, which we feel in walls that have long been washed by the passing waves of humanity.

Buildings achieve such voicefulness from the succeeding generations that use them. One thing we cannot do with the past is replicate it. Then, this definition is compared with old architectures of Iran, and, using a phenomenological method, the applications of "PIR" in Persian literature have been investigated. In the following article, the adaptability of this understanding from PIR was investigated with architectural heritage and with a comparative method; the possible similarities between these two themes were proved. Aging is defined by passing time quantitatively. However, the "PIR" formation concept is based on the passing time with specific conditions. Imparting the human to serenity and spiritual felicity is the most significant duty of the "PIR" or Perfect Human that is achieved by referring to archetype. The "old wise man" introduced by Jung is perfectly similar to the "PIR" Iranian concept. In his philosophy, the archetype is originated from the collective unconscious of the person, a pronoun that is containing several thousands of human experiences and archetype pictures. Since PIR is a formed picture of active wise and described as a holly person in the heavenly realm in Sohrevardi epistles, this similarity emerged. As a conclusion of this paper, the spirit of place in Iranian historical architectures contains a kind of life that is a gift from the ancient wisdom of humans. As a result, Iranian historic architecture can play its role as a PIR in society, and their nature changes from a museum to a relaxing and educating place.

**Keywords:** Iranian Architectural monument, spirit of place, PIR or mentor.

---

\* Corresponding author. E-mail: sajadmoazen@iust.ac.ir



## انگاره اثر تاریخی معماری بمتابه "پیر"\*

سجاد مؤذن<sup>۱\*</sup>، رضا ابویی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه مرمت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

۲. دانشیار دانشکده هنر و معماری و شهرسازی دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱)

### چکیده

آثار تاریخی معماری ایرانی به شکل معناداری زنده‌اند و راوی تقدیر تاریخی ملت ایران هستند. شناخت این قدمت معنادار در صورتی محقق می‌شود که به حیات این آثار با نگاهی تفسیری پرداخته شود. استعانت از استعاره و رجوع به ادبیات عرفانی ایران -که دارای مفاهیمی مشابه با برخی وجوه حیاتی آثار تاریخی معماری ایران است- تعیین‌کننده خط مشی کلی در این مقاله است. هدف مقاله بازشناسی و تبیین آن دسته از ظرفیت‌های ناشناخته آثار تاریخی معماری ایرانی است که به زنده‌انگاری و حیات آن‌ها -نسبت به دیگر مقوله‌های رایج بازشناسی این ظرفیت‌ها- مربوط می‌شود و مقدمه ایجاد تعامل صحیح بین انسان و اثر است. مسئله مقاله ارائه تعریفی جامع از پیر (یا مراد در ادبیات فارسی) بعنوان مفهومی فراتر از شناخت رایج و قابل تعمیم به هرآنچه دارای حیات است و مقایسه تطبیقی آن با آثار تاریخی معماری ایرانی است. بر همین اساس "پیر" در ادبیات فارسی مورد بررسی قرار گرفت و سپس با روش مطالعه تطبیقی شناخت حاصله را به عالم کالبدی معماری وارد و با روش تحلیلی دلیل امکان چنین مشابهتی اثبات گردید. اثر تاریخی معماری و پیر در بهره‌مندی از عقل فعال، کیفیت حیات، جذبه، متذکر بودن، مورد اعتماد بودن، حرمت‌انگیزی آثار پیری، سیروس‌لوک دارای تشابه هستند. نتیجه این مقاله آگاهی از این مسئله است که روح مکان اثر تاریخی معماری ایرانی دربردارنده کیفیتی از حیات است که حاصل حضور گذشتگان است و باعث می‌شود این آثار بتوانند نقش پیر را در جامعه ایفا کنند و از کالبدی موزه‌ای به محلی آرامش‌بخش و تربیت‌کننده تغییر نقش دهند.

### واژگان کلیدی

اثر تاریخی معماری، روح مکان، عقل فعال، پیر و مراد.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول مقاله با عنوان ادب حضور در محضر اثر تاریخی معماری بمتابه پیر در دانشگاه هنر اصفهان است.

\*\* نویسنده مسئول مکاتبات: Email: sajadmoazen@iust.ac.ir

## مقدمه

و حاضر شدن در محضر آنها به عنوان مرید؛ نقش پیر را از دو جنبه می‌کاود: ۱. اثر تاریخی به عنوان پیر برای عموم جامعه؛ که متذکر و آرامش‌بخش خواهد بود. ۲. اثر تاریخی معماری، به عنوان درسی از طرف معماران سستی، پیر صنف خود است که در پژوهش حاضر بدان اشاره خواهد شد. پیران جامعه معماری امروز، آثار تاریخی معماری هستند.

با توجه به توضیحات فوق، در پژوهش حاضر با هدف تبیین ظرفیت‌های ناشناخته آثار تاریخی معماری ایرانی مرتبط با زنده‌انگاری و حیات آنها سعی گردیده به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- ادبیات عرفانی ایران چگونه به شناخت وجوه ناشناخته اثر تاریخی معماری مدد می‌رساند؟
- چگونه و بر اساس چه معیارهایی می‌توان آثار تاریخی معماری ایرانی را "پیر" نامید؟

### ۱. پیشینه پژوهش

پرداختن به وجوه فراکالبدی اثر تاریخی معماری دارای سابقه‌ای به قدمت خود معماری است. روح محافظ مکان تعبیری کهن در روم باستان و بدین معناست که هر وجود مستقل دارای روح محافظ خویش است. روح مکان برگرفته از شخصیت یا کیفیت خاص یک مکان بخصوص است (Vogler and Vittori 2006). در این زمینه جان راسکین در قرن ۱۹ پایه‌گذار توجه ویژه به اهمیت گذر عمر معماری و شکل‌گیری شخصیت ویژه و منحصر بفرد بنا، حاصل این کهنوت است (Stanley Price 1996). کریستوفر الکساندر در دهه‌های اخیر به حیات آثار معماری پرداخته و بر اساس این اصل که هر موجودی زنده است، شأن و شخصیت برای بنای معماری قائل است. نادر اردلان و لاله بختیار در کتاب حس وحدت، به این مساله اشاره داشتند که برای شناخت معماری نه تنها واقعیت بیرونی و گذرای، آن بلکه واقعیت درونی و ذاتی را باید جست‌وجو کرد. نوربرگ شولتز نیز در کتاب خود به بررسی روح مکان با نگاهی پدیدارشناسانه می‌پردازد. علاوه بر موارد فوق، مطالعات زیادی در سال‌های اخیر در

زنده‌انگاری آثار تاریخی معماری ایرانی بدون توجه به قدمت معنادار آنها و نقش روایی آنها در تاریخ فرهنگ ایرانی، فقط به کلیات پرداخته و هیچ نتیجه کاربردی در پی نخواهد داشت. در جهت تفسیر این حیات علاوه بر رجوع به فضای اثر، در ادبیات عرفانی ایران نیز می‌توان وجوهی از حیات هنری فرهنگ ایرانی را جستجو کرد. بازشناسی وجوه حیاتی و شخصیت آثار تاریخی معماری به عنوان موجودیتی زنده، به ایفای نقش مؤثرتر و ماندگارتر آنها در حیات شهر کمک خواهد کرد. این نقش بر پایه ارتباطی دوسویه بین انسان و اثر شکل می‌گیرد و قوام می‌یابد. برای تعریف این ارتباط باید به نیازهای انسان در هر زمان توجه کرد و به خواسته‌هایی که آثار تاریخی معماری قابلیت پاسخگویی به آنها را دارند، پرداخت. انسان در زندگی خویش نیازمند رجوع به منبعی قابل اعتماد برای یافتن آرامش است. این نیاز در گذشته بسیار مورد توجه همه اقشار جامعه، در زندگی و در کار بوده است. هر صنف و شغلی دارای پیر مورد رجوع و وثوق بوده که دارای ثبات و وحدت رویه است. مولوی تأکید می‌کند که دستیابی به سعادت واقعی جز با اطاعت از پیر میسر نیست. او پیر را به "اسرار" و "دریای پرگوهر" تشبیه می‌کند (Yahyapour and Mashhadi 2009).

گسترده‌گی معنایی پیر در ادبیات فارسی، امکان انطباق آن با نیازها و مفاهیم امروزی را فراهم می‌کند و در تعریف حیات اثر تاریخی معماری و شناخت وجوه مغفول بر اساس نگاهی استعاره‌ای می‌توان از آن بهره برد. شناخت و معرفی آثار تاریخی معماری ایرانی به عنوان "پیر" علاوه بر این‌که تعریف نویی از آنها ارائه می‌دهد؛ با شناخت وادی گسترده ادب حضور مرید در محضر مراد، باب جدیدی در نوع مواجهه و ارتباط با آثار تاریخی باز می‌کند. لذا در این مقاله به ارائه تعریفی جامع از پیر به عنوان مفهومی فراتر از شناخت رایج - و قابل تعمیم به هر آنچه دارای حیات است و در دوره حیات خویش شرایط لازم برای هدایت‌گری را احراز کرده است - و انطباق آن با اثر تاریخی معماری پرداخته می‌شود. همچنین بازشناسی آثار تاریخی معماری ایرانی، به عنوان پیر

خصوص اهمیت توجه به روح مکان، صدا دار بودن مکان و افزایش آگاهی نسبت به شناسایی و تلاش جهت حفظ بناهای تاریخی به عنوان میراث حامل حیات، گردیده است و در مواردی تلاش شده تا روح بناهای تاریخی را به یک الگوی مدرن پیوند دهند (Aldy and Dharma 2018; Eero 2021; Littlefield and Lewis 2007; Rukayah et al. 2020; Aboalghait et al. 2021; Shapland 2020; Ishar and Sadad 2017).

از سوی دیگر با توجه به موضوع پژوهش، لازم به ذکر است که در مورد پیر و ویژگی‌های او مطالعات متنوعی در حوزه ادبیات و عرفان اسلامی صورت گرفته است (Mohammadi and Mir Mojrbian 2008; Dastmard 2021; Valizadeh and Vatandoost 2021; lavje 2010; Heidari Nouri 2018). اما تا کنون به ارتباط بین اثر تاریخی و پیر پرداخته نشده است. لذا در پژوهش حاضر سعی در کشف ظرفیت‌های ناشناخته آثار تاریخی معماری ایرانی مرتبط با زنده‌نگاری و حیات آنها شده است.

## ۲. روش پژوهش

با توجه به موضوع مقاله و اهمیت مفاهیم اصیل و ریشه‌دار در تاریخ فرهنگ ایرانی پژوهش مورد نظر اکتشافی و از نظر روش‌شناسی از روش تاریخی-تفسیری در این تحقیق استفاده شد. تحلیل تفسیری در مقام یکی از روش‌های تحلیل شواهد تجربی درصدد بازگو کردن و نشان دادن معنای نهفته در متن یا واقعه درون زمینه است. در تحلیل تفسیری به زمینه معنی رجوع می‌گردد؛ آن‌گاه متن یا واقعه درون آن زمینه فهم می‌شود. در این روش محقق تفسیری باید به تناوب به یافته‌های تحقیق صورتی روایتی بدهد و در روند انجام تحقیق، یافته‌ها را با ذهنی تحلیلی و شیوه‌ای روایتی سازمان دهد. از آنجا که در این روش، یافته‌ها از طریق بررسی داده‌های اولیه مانند اسناد و مدارک به دست می‌آیند، در این پژوهش سعی شده با مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، معانی عمیق مفاهیم اصیل بازیابی شود.

در گام اول به کمک تأویل (آشکار کردن معانی پنهان) مفاهیم اصیل ورای واژه پیر بازشناسی شد. پس از شناخت پیر، در گام دوم با روش تطبیقی شناخت حاصل شده به عالم کالبدی

معماری وارد و دلیل امکان چنین مشابهتی اثبات شد. لازم به ذکر است که دیدگاه استعاری به پدیده مورد نظر -اثر تاریخی معماری- عامل اصلی شکل‌گیری چارچوب مقاله و روند پیشرفت آن است. استعاره به معنی "به عاریت گرفتن" و یک صنعت ادبی است که از ویژگی‌های مشترک دو پدیده برای توضیح ابعاد نامأنوس پدیده دیگر استفاده می‌کند. استعاره مقوله‌ای صرفاً مرتبط با زبان نیست، بلکه یک فرایند مرتبط با اندیشه است. استعاره پدید آوردن این همانی بین دو پدیده‌ای است که نمی‌توان به طور طبیعی آن را معادل تصور کرد. سیستم فکری ما اساساً ماهیتی استعاری دارد. استعاره ابزاری است برای درک بهتر و فهم درست‌تر پدیده‌ها و واقعیت‌ها که با محسوس کردن مفاهیم انتزاعی و زندگی بخشیدن به احساسات پیچیده و گنگ پا به میدان می‌گذارد. گراف نیست اگر بگوییم درک هر پدیده عبارت است از دست یافتن به استعاره‌ای برای آن از طریق جایگزین کردن با چیزی آشناتر. بر همین اساس برای درک بهتر شباهت انسان و بنا باید از استعاره کمک گرفت. یکی از مباحث مفید در این زمینه، بحث استعاره ارگانیک شهر است؛ شهر -شبه انسان- دارای اجزائی با روابط ارگانیک است. در این زمینه گدس<sup>۱</sup> به اصل انواع و تکامل طبیعی شهرها باور داشت و بر این اساس نظریه تکامل تدریجی شهرها را مطرح کرد و شهر را همانند موجودی زنده می‌پنداشت که روند تولد، نوزادی و زندگی و مرگ را می‌گذراند. مامفورد<sup>۲</sup> نیز بیش از همه چیز شهر را در فرآیند تاریخی آن بررسی کرد و اجزاء و کارکردهای هر دوره را با مشاهده و استفاده دقیق از هرگونه اثر تاریخی، فرهنگی و فضایی مشخص ساخت و آن را با انسان ارگانیک پیوند داد (Pakzad 2008).

با بازشناسی مفهوم پیر در ادبیات عرفانی ایران و بررسی تشابهات آن با اثر تاریخی معماری می‌توان استعاره پیر-اثر تاریخی معماری را شکل داد. بر همین اساس به شناخت پیر و مفهوم ورای آن و قرارگیری آثار تاریخی معماری ایرانی به عنوان زیرشاخه‌ای از این مفهوم پرداخته می‌شود.

### ۳. مبانی نظری

مبنای نظری این تحقیق بر سه اساس استوار است؛ ۱. پیر دارای شخصیتی فراکالبدی و گستردگی معنایی وسیع و قابل ارائه در مصادیق متنوع در فرهنگ ایرانی است. ۲. آثار تاریخی معماری زنده و دارای شخصیتی قابل تعریف و تعامل هستند. بازنمایی این شخصیت در بازیابی نقش آن‌ها در حیات شهر مؤثر است. ۳. بین دو مورد ذکر شده قرابت‌های معنایی وجود، که امکان ایجاد پیوند بین دو حوزه را شکل می‌دهد و این پیوند با استعانت از استعاره -شناخت پدیده‌ای بر مبنای شباهت‌های آن پدیده با پدیده‌ای دیگر- شکل می‌گیرد.

### حیات آثار تاریخی معماری

برای شناخت وجوه پیری در آثار تاریخی معماری ایرانی اول باید به شناخت کیفیت حیات آنها پرداخته شود. مسئله مهم در تعریف حیات، شرح درجه نسبی حیات یا مراتب حیات<sup>۳</sup> است؛ بر این اساس که هر شکل از نظم، از مرتبه‌ای از حیات برخوردار است. یافتن الگویی واحد از حیات (که آنچه درباره موجودات زنده و اشیای بی‌جان گفته شد را در ساختار واحدی دربرگیرد) شیوه‌ای نوین از فهم تعاملات میان انسان و طبیعت و آفرینش نظم و هم‌آهنگی در ورای آن است، که زیبایی طبیعت و طعم زندگانی را در خود دارد (Alexander 2012). آنچه هر موجودی را منحصره‌فرد می‌کند، روند تدریجی شکل‌گیری موجود زنده است. موجود زنده را نمی‌توان ساخت. نمی‌توان با آفرینشی آگاهانه و عمدی طراحی کرد. کیفیت حیات را نمی‌توان در بناها و شهرها ساخت، همچون گل که نمی‌توان آن را ساخت، بلکه فقط می‌توان آن را از دانه پروراند. باید از این پندار دست برداریم که کیفیت با کار آگاهانه روی نقشه‌هایی بر میز نقشه‌کشی حاصل می‌شود (Alexander 2002).

هرآنچه در نظام خلقت وجود دارد، بهره‌ای از حیات برده است. هرچند بر حسب ظاهر جمادات در قیاس با جانداران و انسان در رأس این هرم، بهره کمی از حیات برده‌اند؛ اما هم‌جواری‌شان با انسان باعث ارتقاء سطح کیفی حیات آنها

می‌شود. این قاعده کلی بر معماری نیز حاکم است. معمار به کمک هندسه به مصالح حیاتی جدید می‌دهد و انسان‌های دیگری که از فضای معماری استفاده می‌کنند، نیز با هر نفس و هر قدمی بخشی از حیات خویش را با کالبد شکل‌دهنده فضا به اشتراک می‌گذارند. انسان در تعامل با محیط پیرامون خود -با کسب معرفت- می‌تواند سطح حیات خویش را ارتقاء دهد و عمل او باعث ارتقاء سطح حیات محیط گردد. آثار تاریخی معماری شاهد حضور انسان‌های زیادی در طول حیات خویش بوده‌اند و در گذر زمان به حیاتی منحصره‌فرد دست یافته‌اند. به بیان دیگر هر انسانی که در گذشته در سلامت و هم‌زیستی با هستی و بامعرفت در این آثار می‌زیسته، با حضور خود روح مکانی را شکل داده که مؤثر بر انسان امروز است.

در این راستا اهمیت کیفیت حیات اثر معماری در مورد بناهای تاریخی به دلیل نقش گذر عمر در شکل‌گیری وضع موجود اثر، دوچندان می‌شود. راسکین متذکر می‌شود که شکوه‌مندترین وجه معماری، گذر عمر آن و حس عمیق سرشار از حیاتش (طنین نواهای خاموش) است. نه تنها عبوسیت و خشونت نگاه یا مهربانی رازگونه، بلکه حتی تصویب اعتراض و محکومیت احساساتی هستند که ما در دیوارهایی که مدت‌ها پیش با امواج حضور انسان‌هایی از نسل‌های گذشته شسته شده‌اند، درک می‌کنیم. هر بنا طنین نواهای خاموشی از انسان‌هایی که در تمام دوره‌های پیشین در آن حضور داشته‌اند به دست می‌دهد و نکته مهم در مورد این گذشته این است که نمی‌توان برای آن جایگزینی یافت (Stanley Price 1996). لزوم توجه به موضوع حیات آثار تاریخی معماری و نقش آنها در حیات شهر در امروز تا حدی است که حتی برای ساختمان‌های متروک صنعتی معاصر نیز اصطلاح زیبایی‌شناسی زوال<sup>۴</sup> مورد استفاده قرار می‌گیرد و قابلیت‌های نهفته در آنها گوشزد می‌شود. امکانات محتمل، غیرقابل توصیف، غیرقابل ارائه، غیرقابل کدگذاری و شناخت دقیق، حسی و ناهمگون شهرهای معاصر بصورت ویژه در خرابه‌های صنعتی آنها مشهود هستند. خرابه‌ها می‌توانند فضاهای باشند برای تفریح، ماجراجویی، تربیت و تهذیب

نفس، دریافت‌های درونی، برانگیختن خلاقیت و همچنین مآمن انسان معاصر (Edensor 2005).

## لزوم تعریف نقش‌های جدید برای بناهای تاریخی بر اساس کیفیات حیات آن‌ها

به دلیل شخصیت ویژه این بناها که در بخش پیشین ذکر شد، آنها می‌توانند نقش‌های حیاتی در زندگی امروز شهر ایفا کنند. زیبایی و رای کهنگی در پشت در و پنجره‌های بسته بناها پنهان شده است و اگر این فضاها را از محدودیت‌های محصورکننده آنها رها کنیم، نقش عملکردی و مفهومی کاملاً متفاوتی را ایفا خواهند کرد (fein 2011). حیات فرهنگی شهرها به آثار فرهنگی آن شهر وابسته است و در صورتی که وجوه زیبایی‌شناسی هر اثر شناسایی شود و عملکردهای جدیدی بر مبنای آن زیبایی‌ها و قابلیت‌ها برای آثار تعریف شود، تداوم حیات فرهنگی نیز تضمین می‌شود. البته لازم به ذکر است که کهولت این آثار و سیر عمر آنها ارائه تعریف‌هایی متناسب با شرایط موجود آنها را ضروری می‌کند. چراکه امروزه معنا و محتوی آثار هنرمندان قدیمی به صورت ریشه‌ای دچار تحول شده و ما نمی‌توانیم این آثار را چنان که توسط بینندگان معاصرشان دیده می‌شدند، ببینیم (wids 1963). لذا وجه کاربردی بسیاری از این آثار تقلیل یافته و وجه معنایی آنها پررنگ‌تر شده است.

## پیر و لزوم متابعت از او در همه امور زندگی

کهنگی، سالخوردگی و کهولت، بر گذر کمی زمان بر هر آنچه موجود است دلالت می‌کنند و واژه پیر برای گذر کیفی زمان بر آنچه موجود و دارای حیات است، تحت شرایطی خاص قابل اطلاق است. شرط لازم برای احراز کیفیت پیر گذر سالیان بر روح صاحب حیات است که عموماً با گذر عمر بر جسم و سالخوردگی همراه است. اما هرچه که عمری بر آن مترتب گردد، واجد خصوصیتی چون تجربه‌اندوزی، عبرت‌آموزی و حرمت‌انگیزی می‌گردد. پیر که استاد، مرشد، شیخ، بابا و ولی نیز خوانده می‌شود، با

شاگرد خویش دارای ارتباطی است که حاصل آن تربیت او و انتقال مکنونات و اسرار دل پیر به مرید است. رساندن مرید به آرامش دنیایی و سعادت اخروی مهم‌ترین وظیفه پیر است. پیران کاروانسالاران سیروسلوک‌اند و فتح‌الباب حقیقت در دست ایشان است (Emam 1967). ابویزد می‌گوید درخت خودرُست برگ برآرد ولیکن بار نیارد، مرید همچنان بود که استاد ندیده باشد (ghusheiri 1996). بنابراین ارادت قلبی و عملی داشتن به پیر امری اختیاری و تفننی نیست، بلکه از ملزومات زندگی شخصی و حرفه‌ای هر فرد ایرانی بوده است. مدار طریقت بر پیر است که "الشیخ فی قومه کالنبی فی امته" و محقق و مبرهن است کی بخویشتن به هیچ جای نتوان رسید (Munawwar 2007).

وجه معنایی پیر و شخصیت غیرکالبدی او: پیر حافظ دارای شخصیتی شورانگیز و فراکالبدی است و از این لحاظ به منظور مورد نظر این مقاله -تشابه با اثر تاریخی معماری- نزدیک است. رنگ غم و غصه که نمودار دوری و مهجوری (از پیر) است در دیوان خواجه بر دیگر رنگ‌ها می‌چربد (Mortazavi 1955). این پیر جایگاه زمانی و مکانی مشخصی ندارد (و بنابراین منحصر به یک کالبد یا جسم خاص نمی‌شود).

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست
هرکجا هست خدایا به سلامت دارش

در غزل‌های حافظ، هرجا سخن از پیر مغان است، ناگزیر پرسش فلسفی، معضلی ناگشوده، توسلی عارفانه، تعمقی در مجهولات، معمایی حل نشده وجود دارد که حافظ مجهول خود را چون پرسشی بر پیر مغان می‌برد و او به تأیید نظر حل معما می‌کند (khaefi 2008). پیر مغان شخصیتی است که از ترکیب چند فرهنگ با هم شکل گرفته است.

از امتزاج فقر مقدس محمدی و مشرب اشراق و اصطلاحات و افکار مزدیستی تحت تأثیر پاره‌ای از جهات فلسفه بودا عرفان خسروانی به وجود آمده است. البته در نظر خواجه لزومی ندارد که پیر حتماً موجودی خاص و خارجی باشد. این پیر دلیل و واسطه کشف راه است، ولی ممکن است در خارج وجود سالک یا در درون او باشد (Kooshan and Ziaei 2012). پیر مغان همان احساس بی‌شائبه و نظر صائب و دل پاک و سرشت آتشین و می‌آلود و عشق‌آمیز خواجه شیراز است (Mortazavi 1955).

نکته مهم در شکل‌گیری ساختار اصلی استعاره این مقاله گستره معنایی پیر است. در شرایط صعب و بحرانی که نیروهای جسمانی و روحانی به مبارزه خوانده می‌شوند و معجالی برای پرداختن به تفکر آگاهانه وجود ندارد، پیر که همان اندیشه هدف‌دار و متمرکز قوای اخلاقی و جسمانی است، از ناخودآگاه سربرمی‌آورد و فرد را هدایت می‌کند (gorji and Tamimdar 2012). مفهوم پیر خود دارای حیاتی است که در ریشه در سابقه تاریخی فرهنگ ایرانی دارد. صورت مثالی پیر برخاسته از ضمیر ناخودآگاه جمعی فرد است، ضمیری که حاوی تجربه بشر چند هزار ساله است (Jones et al. 1987).

پیر صورت شکل یافته عقل است (vali 2011). در یک نگاه فراکالبدی که توسط ابن‌سینا، حکیم سنایی و سهروردی در یک توالی تاریخی ارائه می‌گردد، پیر به منزله عقل فعال است که به صورت شخصی نورانی در ساحت ملکوتی دیده می‌شود (Pourjavadi 2010). فارابی عقل فعال را واهب‌الصور می‌نامد. بدین معنا که عقل فعال به طور دائم به اشیاء جهان ماده، شکل و صورتشان را افاضه می‌کند و پرتو و انعکاسی از این فعل و انفعالات را در عقل بشر منعکس می‌سازد. بنابراین عقل فعال را می‌توان باطن همه امور معنوی قابل شناخت دانست (waltera 1986). عقل فعال، هم هدف کمال است و هم وسیله رسیدن به کمال است. قدیمی‌ترین مأخذی که درباره معنی عقل فعال در دست است رساله «حی بن یقظان» ابن‌سینا است. ابن‌سینا در این رساله ارتباط نفس ناطقه را با عقل فعال از طریق داستان و تمثیل بیان می‌کند.

سالک روزی از شهر خویش بیرون می‌آید و از دور پیری را می‌بیند «زیبا و فره‌مند و سالخورده» که در عین کهنسالی، تازگی و طراوت جوانی با اوست و از پیری جز شکوه پیران هیچ نشانی در او نیست. علت این که ابن‌سینا عقل فعال یا جبرائیل را پیر خوانده است این است که او یکی از فرشتگان است و فرشتگان را دیر است که بیافریدند، پس دیرینه‌اند. سالک از این پیر سوال‌هایی می‌کند و پیر دانا به او پاسخ می‌گوید و علم‌هایی به وی می‌آموزد، که یکی از آنها علم فراست است (Corbin 1988). پیر و مراد مقیم در خانقاه آخرین حلقه این تعریف است که از جنبه معنوی و غیرصورت‌مند شروع و به مصداقی کالبدی ختم می‌شود. بطور خلاصه می‌توان گفت، پیر معنایی است که در مصداق فراوانی ظهور می‌یابد و پیر مورد رجوع مریدان دارای تجسم کالبدی یکی از این مصداق است.

### چرخه عقل-پیر-اثر

برای شناخت جایگاه پیر باید روند خلق به اجمال بررسی شود؛ اولین صادر از خداوند، عقل اول است که طی ۱۰ مرتبه نزول به عقل فعال می‌رسد؛ عقل فعال در قالب پیری سپیدموی در عالم خیال-توسط پیران جامعه انسانی درک می‌شود. از حاصل این ارتباط و آموزه‌های آن، پیر و مراد در قالب معمار در جامعه به عمارت می‌پردازد. حاصل گذر عمر بر اثر ساخته دست معمار، اثر تاریخی معماری است. این اثر از عقل معمار پیر در زمان ساخت و کیفیت حضور ساکنان دوره‌های بعد بهره‌مند شده است. آثاری که امروز با گذر زمان، سالم مانده‌اند، دارای کیفیتی بوده‌اند که در زمان ساخت و در طول حیات خویش آن را کسب کرده‌اند. هرچند این آثار از وجه ظاهری و همچنین در کیفیت حیات با پیر در جامعه انسانی تفاوت دارند، اما منشأ حیات در هر دوی آنها عقل فعال است.

با توجه به توضیحات فوق در خصوص اثر تاریخی و پیر، در جدول یک اقدام به شناسایی شاخص‌های پیر در سه بعد عینی، ذهنی و عینی-ذهنی شده است تا در مراحل بعدی به بررسی تطابق آن با اثر تاریخی پرداخته شود.

جدول ۱: چارچوب نظری پژوهش

Table 1: Theoretical framework of the research

ابعاد	شاخص	توضیحات	منابع
۱.۱	جسم	پیر می‌تواند در مصادیق کالبدی متعددی بروز و نمود پیدا کند.	چوننه‌تومو قشیری
	آثار گذر عمر بر جسم	گذر عمر هر موجود زنده، بر بدن آن موجود شواهدی ایجاد می‌کند که احترام مخاطب را جلب می‌کند.	
	سکوت	پیر از هیاهو و پرگویی و بیهودی‌گویی پرهیز می‌کند.	
۱.۲	اتصال با عقل فعال	از مهم‌ترین مصادیق عاقلی در فرهنگ ایرانی پیر است. پاسخ به سؤالات لاینحل، تأمین سعادت دنیوی و اخروی از وضایف اوست.	مولوی صائب تبریزی ولی پورنامداریان waltera
	کیفیت حیات	تجربه سالیان و معاشرت با معانی والا، کیفیت حیات پیر را ارتقا می‌دهد.	
	مورد اعتماد بودن	احراز همه شاخص‌های ذکر شده، امکان خطای پیر را کاهش می‌دهد.	
۱.۳	سیروسلوک	مجموعه مناسک ظاهری و مراتب و مراقبه باطنی، مسیری که پیر باید طی کند.	محمدی و میرمجریان رازی محمودی نسفی دستمرد ولی‌زاده لاوژه حیدری
	آرامش و جمعیت خاطر	دنیا را فراتر از حال دیدن و اطمینان به خالق خیرخواه، آرامش در پی دارد. این آرامش پیر، هر خاطر پریشانی را به خاطر جمعی می‌رساند.	
	ذکر و یادآوری	انسان در طول حیات خویش به تذکر نیاز دارد؛ پیر نماینده سنت‌های اصیل و تذکردهنده به آن‌ها است.	
	محضر	محضر پیر طیف وسیعی از انواع حضور را شامل می‌شود؛ از ارتباط تنگاتنگ تا دوری مدام، بسا مریدانی که پیر خویش را به چشم سر هرگز ندیده‌اند.	
	جذبه	انسان خودآگاه یا ناخودآگاه در پی رجوع به مرجعی قابل اطمینان برای دوری از خطا در زندگی خویش است. پیر امکان ایفای نقش مرجع را دارد و به همین دلیل نیز دارای جذبه است.	

#### ۴. یافته‌ها

##### تشابهات و تفاوت‌های اثر تاریخی معماری و پیر

یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که روش تحقیق حکم می‌کند، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو پدیده مورد نظر است. شناخت تفاوت‌ها از این جهت دارای اهمیت است که در نگاه استعاری دو پدیده هرچند دارای وجوه مشترک باشند، وجوه افتراقی نیز دارند که در صورت عدم توجه به آنها در مراحل اولیه شناخت، امکان ظهور آنها در نتیجه‌گیری و ایجاد

اختلال در شناخت بر مبنای شباهت‌ها وجود دارد. روش تحلیل داده‌های مورد استفاده در این بخش از مقاله، روش تجزیه و تحلیل تفسیری است. در این راستا در جدول یک به بیان تشابهات و تفاوت‌های اثر تاریخی معماری و پیر پرداخته شده است.



جدول ۲: تشابهات و تفاوت‌های اثر تاریخی معماری و پیر

Table 2: similarities and differences between the historical architecture and the PIR

معیار	پیر	اثر تاریخی معماری	شباهت
انفعال با عقل (عقل‌گرایی)	پیر بازنمون <b>عقل فعال</b> و آخرین حلقه سلسله نزول عقل است. بدنه آن پییر را جامی و بنشان که این جا پییر بایسته‌ست هیئات <b>خصوصاً جان پییری‌ها که عقل‌ست</b> که خوش مغزست و شایسته‌ست هیئات (مولوی، دیوان شمس، غزل ۳۵۳)	اثر بواسطه معمار که بر مبنای عقل معماری می‌کند و همچنین حضور انسان‌هایی که عاقلانه زیسته‌اند و بنا از حضور آنها اثر پذیرفته، با عقل فعال در اتصال است. معمار با رجوع به عقل اثر معماری می‌آفریند و با این عمل باعث ظهور و بروز عقل می‌شود و معماری را <b>واسطه شناخت عقل</b> قرار می‌دهد. (Aboalghait et al. 2021)	✓
کهنگی	پیر به دلیل عمق نگاه خویش دارای درک و دریافتی فراتر از مدت عمر خویش است. <sup>۵</sup> آنچ تو در آینه بینی عیان پیر اندر خشت بیند بیش از آن پیر ایشانند کین عالم نبود جان ایشان بود در دریای جود (مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بخش ۵)	<b>غناي هندسي</b> اثر نشان‌دهنده کیفیت حیات جاری در اثر است. هرچه نظم یک ساختار غنی‌تر باشد، حیات آن ساختار پیچیده‌تر و عمیق‌تر است.	✓
سیروسلوک	هر انسانی متناسب با ذات خود و هدایت و رهنمودهای پیر در هر منزلی متحول شده و به مقامی متفاوت از دیگر هم‌طریقانش دست می‌یابد.	آثار در طول حیات خویش متناسب با وقایع و حضور انسان‌های مختلف سیروسلوکی را طی می‌کنند؛ در صورتی که انسان‌های حاضر در اثر دارای مقامات باشند به اثر در جهت نیل به مقام پییری مدد می‌رسانند. بنابراین هرچند اثر دارای سیروسلوک ظاهری نیست، اما به مدد حضور انسان، سیروسلوک معنوی دارد.	✓
آثار پیروی و حرمت‌انگیزی	<b>موی سپید پیر</b> دارای حرمت است.	<b>کهنگی مصالح</b> مشابه موی سپید است. در آداب سامورایی آمده: عده‌ای فکر می‌کنند استفاده از ظروف کهنه برای مراسم چای بی‌نزاکتی است و ظروف کهنه زرق‌وبرق ندارند. اما قدیمی بودن اسباب به آنها ارزش می‌دهد. ارزش، حرمت دارد (Tsunetomo 2011).	✓
آرامش حاصل یک‌نگینی (پیر)	هرآنچه که دارای شواهد <b>گذر عمر</b> است، هیبت و شکوه دارد. هیبت و شکوهی که اطمینان ایجاد می‌کند. <sup>۶</sup>	آرامش جاری در آثار تاریخی حاصل گذر عمر و القاء آن به انسان است. هر دو انسان را از پریشانی نجات می‌دهند؛ مصاحبت با پیر و حضور در اثر تاریخی.	✓
کم‌گویی و سکوت (پیر)	خلوت‌گزینی از شلوغی اجتماع و مراقبه، تحریک نیروی خلاقه را در پی دارد. مرید باید خلوت گیرد و عزلت و جهد کند اندر حال خلوت، تا خواطر به خود راه ندهد و چیزها که دل او مشغول گرداند از خود بازدارد (ghusheiri 1996). یکی از خصایل پیر واقعی از نگاه ابوسعید: پیر تا پند به اشارت تواند داد به عبارت ندهد.	اصل محرمیت در آثار تاریخی معماری ایرانی، رجوع به خود را به انسان عرضه می‌کند. تفکر اصیل، توجه به طنین هستی و نبوشایی اصیل است (Fadai 2013). (Mehrabani 2013). ندا (آنچه در پس سکوت پیر قابل شنیدن است) بیان‌گر ارتباط غیرکلامی مرید با پیر و معادل گوش سپردن به نواهای خاموش جاری در اثر معماری است.	✓

✓	اثر تاریخی معماری به دلیل این که معرف و ظرف زیست انسان پایبند به سنت های اصیل است، برای انسان امروز تذکری به نحوه زیست اصیل و هم آهنگ با نظام خلقت است. علاوه بر این که اساساً رسالت هنر یادآوری عهدی است که انسان روز الست با پروردگار خویش بسته است (elahi ghomshei 2000) و بر همین اساس هر اثر هنری محملی برای ذکر است. حضور در محضر هر دو، همان ذکری است که انسان برای دستیابی به سعادت به آن نیازمند است.	انسان در اندیشه اسلامی تحت آموزش الهی قرار گرفته است. <sup>۷</sup> در وجود انسان دانسته هایی ازلی وجود دارد، اما به یاد آوردن این دانسته ها امری است که محتاج تذکر است. با ذکر دم به دم دانسته های قدیم و ازلی انسان در لحظه های کنونی حیاتش، جاری می شوند. ذکر، ریسمانی برای دوختن هر لحظه از زندگی دنیایی انسان به مبداء و اصل او است (Mohammadi and Mir Mojrbian 2008). پیر تجربه زندگی ای همراه با تذکر را داشته؛ چرا که توجه به عالم بالا و متذکر بودن به حقایق آن شرط لازم برای احراز مقام پیری است.	تذکر و یادآوری
✓	اثر تاریخی معماری نیز دارای جذابیتی است که انسان ها را به سمت خود دعوت می کند. (Aldy and Dharma 2018)	پیر عامل جذب آدم ها گرد است. حلقهٔ مریدان پیرامون پیر و شوق مرید به دیدار پیر از جذبهٔ پیر حکایت دارد. <sup>۸</sup>	جذب
✓	اثر تاریخی معماری نیز بعد از آزمون و خطاهای بسیار و در امتداد سیر تحولی طولانی شکل گرفته است و می توان به الگوها، سنت های ساخت و فضا سازی های آن اعتماد کرد و از آنها آموخت.	سالکی که مسیرها را طی کرده و با موانع آشنا است و خود امروز پیر شده، دارای بصیرتی شده که قابل اعتماد است. نسازد مضطرب سیل حوادث زود پیران را عمارت چون نشست خود نماید، بی خطر باشد (صائب تبریزی)	مورد اعتماد روز
×	ارتباط انسان با معماری در قالب قرارگیری در فضای اثر شکل می گیرد. در ارتباط با اثر تاریخی معماری، انسان در فضای پاسخ قرار می گیرد.	ارتباط انسان ها با هم در قالب تکلم و دیدار شکل می گیرد. در محضر مراد انسان پاسخ خود را از پیر در قالب ارتباط کلامی دریافت می کند.	داگاه محضر و پیر
×	کالبد معماری از خشت، آجر و سنگ تشکیل شده است. البته ماده اولیه خلق انسان و اثر معماری ایرانی یکی است. بر اساس آیات قرآن، خلقت انسان از گل آغاز شده و ماده آغازین ساخت بسیاری از آثار معماری ایرانی نیز گل است.	بدن انسان از گوشت، استخوان، پوست و اجزا درونی دیگر تشکیل شده است.	بدن

محضر، خالق و میزان خود آگاهی از یکدیگر متمایز هستند. بحث: در دیدگاهی کل به جزء بر اساس شاخص های مطرح شده، پیر و اثر تاریخی معماری هر دو مصداق و معرف عقل هستند. رجوع به عقل، کیفیتی برای حیات موجود ایجاد می کند که متضمن جاودانگی او است؛ ماندگاری نام پیران عارف ایرانی و آثار تاریخی کهن شاهی بر این جاودانگی است. حیات دارای مراتب متنوعی در نظام خلقت است و

همانگونه که در جدول دو نشان داده شده اثر تاریخی و پیر در شاخص های اتصال با عقل فعال (رجوع به چرخه عقل - پیر-اثر)، کیفیت حیات، سیروسلوک، آثار پیری و حرمت انگیزی آنها و وقار حاصل از آن، آرامش و جمعیت خاطر (و ایجاد فراغت بویسیله وحدت و یک رنگی پیر)، کم گوئی و سکوت (پرهیز از بیهودگی)، ذکر و یادآوری، جذبه و مورد اعتماد بودن دارای شباهت و در شاخص های

## شرایط احراز مقام پیر برای آثار تاریخی معماری

بناهایی که در روند ساخت آنها از قدرت‌های قاهره و توجیهات مختلف -مثل لازم‌الاجرا بودن اوامر حکومتی، ارجحیت صلاح جمع بر رضایت فرد- برای تحمیل ظلم به دیگران استفاده شده، یا در دوره حیاتشان بستر فعل غیرخیر بوده‌اند، هرچند سالخورده هستند و به همین دلیل باید حفظ شوند -چراکه سند تاریخی هستند و تاریخ را بازگو می‌کنند- اما شرایط احراز مقام پیری را ندارند و از حیثه بناهای مورد بحث این مقاله خارج‌اند؛ کاخ‌های حکومتی که محل تفریح و ستم به مردم بوده‌اند، مساجدی که برای فخرفروشی یا هر هدف دیگری غیر از عبادت حق بنا شده‌اند، خانه‌هایی که انسان‌های ناصالح در آنها زندگی کرده‌اند؛ از این جمله هستند. از طرف دیگر اکثر بناهای عام‌المنفعه -مثل آب‌انبارها، کاروانسراهای بین‌راهی، مساجد محلی کوچک- و بناهایی که محل دفن انسانی بزرگ‌اند و یا انسانی بزرگ در آنها به زندگی و عبادت پرداخته باشد، قابلیت احراز مقام پیری را دارند. هرچند شاه‌کارهای هنری جایگاه مهمی در این تعریف دارند، اما سادگی بناهای کوچک را نیز نباید نادیده گرفت. راسکین در مکتوبات خود به اهمیت آثار معماری با ابعاد متناسب با زندگی عادی و روزمره مردم اشاره می‌کند و آنها را مهم‌تر از بناهای باشکوه می‌داند. امروزه، جذابیت شهرهای زیبا نه تنها به غنای حفاظت شده و ایزوله کاخ‌ها بستگی ندارد، بلکه باید در دکوراسیون محبوب و نفیس کوچک‌ترین اتاق‌های مسافرخانه‌ها -بازمانده از دوره‌های رونق بافت تاریخی- آن را یافت. استادانه‌ترین قطعه معماری در ونیز یک خانه کوچک در بالای گراند کانال است، متشکل از یک طبقه همکف با دو طبقه بالای آن، سه پنجره در طبقه اول و دو تا در طبقه دوم. در این شهر بسیاری از نفیس‌ترین ساختمان‌ها در کانال باریک، عاری از هرگونه ابعاد بزرگی هستند. یکی از جالب‌ترین قطعات معماری قرن پانزدهم در شمال ایتالیا، یک خانه کوچک در خیابان پشت بازار ویچنزا است و بر سر در آن به زبان فرانسه نوشته شده: هیچ گل رزی بدون خار نیست. این خانه نیز تنها یک طبقه همکف و دو طبقه بالای آن و سه پنجره در هر یک از طبقات

پیران از حیاتی غنی بهره‌منداند که قابلیت انتشار دارد. انسان و اثر تاریخی معماری برای نیل به مقام پیری، باید علاوه بر اهلیت -شرط لازم- راه رسیدن به این مقام را نیز طی کنند -شرط کافی- و بر همین اساس نیز حیات هر موجود پیر دارای سیروسلوک و دوره‌های تاریخی متنوع است. طی این مسیر پیر را تجربه‌مند می‌کند و این تجربه‌اندوزی، اعتماد در پی دارد. گذر عمر پیر، نشانه‌های کهولت بر جسم را در پی دارد. موی سپید پیر و کهنگی اثر تاریخی معماری، وقار در پی دارد و این وقار در نگاه مخاطب حرمت ایجاد می‌کند. در محضر پیر پراکندگی به جمعیت تبدیل می‌شود، چراکه حضور در محضر پیر دعوت‌کننده به آرامش و دوری از هیاهوی دنیای بیرون است. اثر تاریخی معماری نیز برای زمانی طولانی در جای خود پایدار بوده و همین ثبات، خود در تقابل با شتاب‌زدگی و روزمرگی قرار دارد. غنایی فضای اثر تاریخی معماری دعوت‌کننده به سکوت و گوش فرا دادن به نواهای جاری در اثر است؛ مشابه همین حالت در محضر پیر وجود دارد؛ در حضور پیر باید از بروز و بیان حذر کرد و برای برای درک و دریافت آماده بود. در دنیای پیش‌رونده که هر روز بدعت‌هایی تازه رخ می‌دهد، رجوع به سنت‌ها و پاس‌داشت آنها ضروری زندگی اصیل است؛ پیر و اثر تاریخی معماری حافظان و مبلغان سنت هستند و حضورشان در جامعه یادآور سنت‌های اصیل است. از آنجا که سنت‌ها آزمون و خطاهای بسیاری را در طول حیات خویش سپری کرده‌اند، قابل اعتماداند. هرچند جاذبه‌ها و هیجانانگیزی دنیای مدرن، انسان را به خود مجذوب می‌کند، اما نیاز به تمسک به منبعی قابل اعتماد و اصیل، نقش پیر در جامعه را همیشه زنده می‌دارد. ممکن است انسان برای دوره‌ای محدود لزوم رجوع به پیر را فراموش کند؛ اما جاذبه‌ای مدام در شخصیت پیر نهفته است، و در صورتی که اجازه بروز بیابد، در هر شرایطی رابطه انسان و پیر را احیاء می‌کند. میل به بازدید از آثار تاریخی، برخاسته از همین جاذبه است، که در صورت تربیت و هدایت، امکان ایفای نقش آنها به پیر در جامعه را محقق می‌کند.

دارد، که با مجموعه گل کاری ای غنی از هم جدا شده‌اند. این ایده که یک خانه خوب باید بزرگ باشد، همراه با رشد تفکر مدرن گسترش یافت، و موازی با این ایده است که هیچ منظری نمی‌تواند تاریخی باشد، مگر این‌که در ابعاد، ارقامی بزرگتر از زندگی را تصدیق کرده باشد (Ruskin 1908). اهمیت ایفای نقش در زندگی شهر و اطمینان از صحت غنای فرهنگی آثار مورد نظر، که در جملات فوق نسبت به این بناها ذکر شد، مؤید سازگاری شخصیت این آثار با تعریف ارائه شده از پیر است.

در انتهای این بحث و در جهت تأکید بر این نکته که احراز مقام پیر، وابسته به سیر حیات اثر تاریخی معماری است، به معرفی طاق کسری به عنوان یک نمونه پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که معرفی این بنای منحصر بفرد در جهت تأکید بر این نکته است که طیف وسیعی از بناها - از خانه‌های ساده و محقر تا مجموعه‌های عظیم و شاه‌کارهای دنیای معماری - قابلیت ایفای نقش پیر در مقیاس‌های متفاوت - از جوامع محلی تا بین‌المللی - را دارند. بناهای ساده بسیاری را می‌توان در این زمینه ارائه کرد؛ اما معرفی بنایی با کاربری حکومتی - در کتاب مفاتیح‌الجنان که یکی از پرکاربردترین و معتبرین کتب ادعیه شیعه است و وصف تأمل برانگیز طاق کسری و چگونگی مواجهه حضرت علی(ع) با آن - نشان‌دهنده گستردگی مفهوم پیر و امکان اطلاق آن به بناهایی متفاوت در مقیاس، کاربری و تاریخ ساخت دارد. بر اساس این وصف، این بنا دارای شخصیتی هم‌آهنگ با تعاریف مورد نظر این مقاله است و می‌توان آن را پیر نامید.

### مرور حضرت علی(ع) و نماز خواندن او و مکالمه یزدگرد ساسانی با طاق کسری:

هنگام فتح مدائن، مسلمانان تالار بزرگ این کاخ را محل اقامه نماز جماعت قرار دادند و به نقلی حضرت علی(ع) نیز هنگام عزیمت به سوی صفین در این تالار نماز خواند. مرحوم شیخ عباس قمی به همین خاطر، نماز خواندن در آن جا را نیکو شمرده است. چون زائر به زیارت قبر سلمان فارسی (در مجاورت طاق کسری) مشرف شد، پس از زیارت وظیفه دارد

در طاق کسری نماز بخواند، دو رکعت یا بیشتر، چون آنجا مصلاً حضرت امیر مؤمنان علی(ع) است. از عمار ساباطی روایت شده: امیر مؤمنان به مدائن آمد و در ایوان کسری نزول فرمود، درحالی‌که ابودلف بن بحیر با او بود، در آنجا نماز خواند، پس از آن برخاست و به دلف فرمود: با من برخیز و جماعتی از اهل ساباط در خدمت آن حضرت بود، در منازل کسری گردش کرد و به دلف می‌فرمود: برای کسری در این مکان چنین و چنان بوده، و دلف می‌گفت: به خدا قسم چنین است که می‌فرمایی، پس با آن جماعت در تمام آن مواضع گردش کرد، و دلف می‌گفت: ای سید و مولای من، شما چنان به این مکان‌ها آگاهی دارید، که گویا شما این چیزها را در این مکان‌ها نهاده‌اید! نکته مهم در روایت فوق مهر تأییدی است که حضرت علی(ع) با نماز خواندن در طاق کسری به این اثر تاریخی معماری زنده‌اند.

در روایتی دیگر که به حضرت قائم(عج) اشاره دارد، طاق کسری مورد خطاب پادشاه ساسانی قرار می‌گیرد و - مشابه موجودی زنده - شاهی خواهد بود بر قیام حضرت قائم(عج): سید بن طاووس از ابن شهر آشوب در ارتباط با ایوان کسری روایتی نقل می‌کند، در باب امامت حضرت قائم(عج) در جلد هشتم از مناقب: یزدگرد پادشاه ایران از مسلمانان شکست خورد و پنجاه هزار سرباز ایرانی کشته شدند. پس یزدگرد در حالی که خودش و اهل بیتش فرار می‌کردند، آمد در ایوان پادشاهی مدائن ایستاد و گفت: سلام بر تو ای ایوان پادشاهی من! اکنون من ناگزیرم که از تو جدا شوم، اما طولی نمی‌کشد که به سوی تو باز می‌گردم؛ یا خود من یا یکی از فرزندانم. سلیمان دیلمی می‌گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: معنی کلام یزدگرد (یا خود من یا یکی از فرزندان من) چیست؟ حضرت فرمودند: او مردی از فرزندان من است و او قائم شماست که ششمین فرزند من است که از طرف مادر فرزند یزدگرد است. (حضرت علی بن الحسین(ع) نوه یزدگرد بوده و شهربانو دختر او همسر حضرت امام حسین(ع) است (Khademi Shirazi 2010).

مخاطب قرار گرفتن ایوان و ثبت این خطابه مؤید این امر است که این بنا فقط یک سازه عظیم و دارای وجوه کالبدی

شاخص نیست، بلکه موجودی زنده است که به دلیل کیفیت حیات خود در طول زمان، برای انسان‌های ادوار بعد حاوی

پیام است.

### نتیجه‌گیری

طول حیات خود نیز از انقباض پیرانی که در فضای اثر حاضراند بهره‌مند گردد. بر این اساس هر بنایی فارغ از عملکرد خود، امکان پیر بودن را دارد؛ از یک خانه ساده روستایی تا مجموعه‌های مذهبی عظیم. البته بناهایی دارای سابقه عملکردی معنوی زمینه مستعدتری برای احراز مقام پیری دارند. مطالعات صورت گرفته در تحقیق حاضر بیان‌گر آن است اثر تاریخی و پیر در شاخص‌های اتصال با عقل فعال (رجوع به چرخه عقل-پیر-اثر)، کیفیت حیات، سیروسلوک، آثار پیری و حرمت‌انگیزی آنها و وقار حاصل از آن، آرامش و جمعیت خاطر (و ایجاد فراغت بویسیله وحدت و یک‌رنگی پیر)، کم‌گویی و سکوت (پرهیز از بیهودگی)، ذکر و یادآوری، جذبه و مورد اعتماد بودن دارای شباهت و در شاخص‌های محضر، خالق و میزان خودآگاهی از یکدیگر متمایز هستند.

لازم به ذکر است که بناهایی که نه تنها در روند ساخت آنها از قدرت‌های قاهره و توجیهات مختلف استفاده شده، بلکه در دوره حیاتشان نیز بستر فعل غیرخیر بوده‌اند، هرچند سالخورده هستند - به همین دلیل باید حفظ شوند - اما شرایط احراز مقام پیر را ندارند. همچنین از آنجایی که ادامه حیات اثر تاریخی بی‌حضور انسان امری محال است و انسان بدون برقراری ارتباطی از جنس هویت، رابطه و تاریخ و مهمتر از آنها بدون حضور "پیر" سر از ناکجاها در خواهد آورد، انسان امروز به لحظاتی سکون و قرارگیری در فضایی با کاهش حجم فعالیت و افزایش حجم معنی نیازمند است و اثر تاریخی معماری به دلیل طول عمر خویش واجد چنین کیفیتی است و از دیگر سو نشاط انسان عامل امتداد حیات اثر پیر است.

با توجه به شباهت اثر تاریخی معماری و پیر، پیشنهاد می‌شود

ایجاد شرایط حضور همراه با تأمل برای عموم جامعه و همچنین حضور به عنوان شاگرد برای معماران در محضر اثر تاریخی به عنوان پیر، مشابه برپایی مجدد حلقه‌های تعلیم و تربیت پیران است؛ البته تنها آگاهی یافتن از این عنوان برای آثار تاریخی و ایجاد تغییر در زاویه نگاه جامعه، شروع ایفای نقش مجدد آنها در حیات شهر است. آگاهی از این مسئله که روح مکان اثر تاریخی معماری ایرانی دربردارنده کیفیتی از حیات است که حاصل حضور گذشتگان صاحب معرفت است، شروع تغییر نقش بنیادی این آثار در جامعه از کالبدی موزه‌ای به فضایی آرامش‌بخش و تربیت‌کننده است. بر این اساس مبحث حیات آثار تاریخی معماری از بحثی صرفاً نظری و غیرکاربردی تغییر ماهیت داده و در زندگی روزمره انسان‌های در ارتباط با اثر جاری می‌شود؛ چراکه برای اثر تاریخی معماری شخصیت قائل می‌شود و نوع ارتباط انسان و اثر تحت تأثیر شخصیت ویژه اثر تعیین می‌شود. به بیان دیگر ارتباط انسان و اثر تاریخی معماری به مثابه پیر، ارتباطی زنده، دارای روند و پویا است؛ هر دو از هم اثر می‌پذیرند و این اثر در جان هر دو ثبت می‌شود.

از سوی دیگر تنوع و کثرت آثار تاریخی معماری بجامانده از گذشتان - از بُعد زمان، کاربری و ابعاد - دسته‌بندی این آثار را لازم می‌کند. از بین همه این آثار تعداد کمی را می‌توان پیر نامید، از بین انسان‌های سالخورده نیز فقط تعداد اندکی شرایط احراز مقام پیر را دارند. کیفیت روح مکان تعیین‌کننده‌ترین عامل در این زمینه است. همان‌طور که انسان برای احراز مقام پیری باید علاوه بر آمادگی باطنی، سیروسلوکی طی کند؛ یعنی علاوه بر اهلیت باید شاگردی پیر کند؛ اثر تاریخی معماری نیز باید علاوه بر احراز جمیع شرایط در زمان ساخت - خلق بنایی مانا، زیبا و والا - در

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع برای ایشان وجود نداشته است. (تعارض منافع به حالتی گفته می‌شود که منافع شخصی مادی یا غیرمادی نویسنده یا نویسندگان با نتایج پژوهش در تعارض باشد و این موضوع بر روند انجام پژوهش یا اعلام صادقاته نتایج تأثیر بگذارد).

در مطالعات بعدی به اثرگذاری این تعریف بر روند حفاظت، مرمت و احیاء بناها و شهرهای تاریخی پرداخته شود. شناسایی این آثار به عنوان پیر بر مبنای نظری مداخله و حتی جزئیات این روند مؤثر است. همچنین مطالعه نمونه‌های موردی و سنجش معیارهای مطرح شده در این مقاله در آن نمونه‌ها و تعریف شاخصه‌های پیر بودن آن‌ها، مطالعه حاضر را کامل می‌کند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. Patrick Geddes (۱۸۵۴-۱۹۳۲) زیست‌شناس، جامعه‌شناس، انسان‌شناس و برنامه‌ریز شهری بود. وی بر روابط متقابل شهر و روستا تمرکز داشت. گدس را یکی از پایه‌گذاران علم برنامه‌ریزی منطقه‌ای به‌شمار می‌آورند.
۲. Lewis Mumford (۱۸۹۵-۱۹۹۰) منتقد معماری، طراح شهر و تاریخ‌نگار فرهنگی آمریکایی
۳. در شرح مراتب حیات رجوع به آراء برگسون (1859-1941 Henri Louis Bergson) فیلسوف فرانسوی و از چهره‌های برجسته فلسفه حیات مفید است. برگسون از این که هر یک از اجسام جاندار را یک فرد بنامد ابا ندارد. او فردیت را دارای سلسله مراتب و درجات می‌داند که از نازل‌ترین درجه، مثلاً در یک گیاه، تا عالی‌ترین درجه که حتی در بسیاری از انسان‌ها هم حاصل نمی‌شود، کش پیدا می‌کند (Soltani Gazar 2010).
۴. The aesthetic of decay
۵. حضرت امیر(ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه در این مورد به فرزند خویش فرمودند: پسر من درست است که من به اندازه همه کسانی که پیش از من می‌زیسته‌اند عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان تفکر نمودم و در آثار آنها سیر و سیاحت پرداختم؛ تا بدانجا که همانند یکی از آنها شدم، بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنان به من رسیده با همه آنها از اول تا آخر بوده‌ام.
۶. بیرون شدم به زهت گاهی. پیری از دور پدید آمد. زیبا و فرهمند و سالخورده و روزگار دراز بر او آمده و وی را تازگی برنایان بود. هیچ استخوان وی سست نشده بود و هیچ اندامش تباه نبود و بر وی از پیری هیچ نشان نبود، جز شکوه پیری (Pornamdarian 1988).
۷. فاذکرو الله کما علمکم مالم تکنونوا تعلمون (بقره، ۲۳۹) خدا را یاد کنید زیرا او شما را آموخت آنچه را نمی‌دانستید.
۸. در آواز پر جبرئیل در توصیف چهره‌گیرا و جذبه‌پیر، چنین آمده: چون نگه کردم، ده پیر خوب سیما را دیدم که در صفه‌ای متمکن بودند. مرا هیأت و فرو و هیبت و بزرگی ایشان سخت عجب آمد و از اورنگ و زیب و شیب و شمایل ایشان حیرتی عظیم در من ظاهر شد (Taheri et al. 2013).

## فهرست منابع

- امام، سیدمحمدکاظم. ۱۳۴۵. تصوف (پیر شیخ مرشد استاد). نشریه هنر و معماری سال دوازدهم (۱): ۵۰ - ۶۱.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۶. راهنمای طراحی فضاهای شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
- پورجوادی، نصرالله. ۱۳۸۸. سابقه پیر ما در غزلی از حافظ. جاویدان خرد ۶(۱۱): ۵۱ - ۶۵.
- پورنامداریان، تقی. ۱۳۶۷. رمز و داستان‌های رمزی. انتشارات علمی و فرهنگی.
- جونز و دیگران. ۱۳۶۶. رمز و مثل در روان کاوی. ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر توس.
- چونه‌تومو، یاماموتو. ۱۳۸۹. هاگاکوره، کتاب سامورایی. ترجمه سیدرضا حسینی. تهران: نشر چشمه.
- خادمی شیرازی، محمد. ۱۳۸۸. نشانه‌های ظهور او. قم: انتشارات مسجد جمکران.
- خائفی، پرویز. ۱۳۸۷. ماجرای پیر حافظ. نشریه حافظ (۵۷): ۴۶ - ۵۰.

دستمرد، فرزانه. ۱۳۹۹. جلوه‌هایی از پیر و شیخ و نقش آن در دیوان سنایی. عرفان اسلامی ۱۶ (۶۴): ۳۳۸-۲۲۰.

طاهری، محمد و دیگران. ۱۳۹۲. بررسی و تحلیل کهن‌الگوی پیر فرزانه در رساله‌های سهروردی. پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا) ۱۷ (۱): ۱۰۵-۱۳۴.

فدایی مهربانی، محمدمهدی. ۱۳۹۲. ایستادن در آن سوی مرگ (پاسخ‌های کربن به هایدگر از منظر فلسفه شیعی). تهران: نشر نی.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن. ۱۳۷۴. رساله قشیریه. ترجمه حسن بن احمد عثمانی. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

کربن، هانری. ۱۳۶۶. حی بن یقظان ابن سینا. ترجمه و شرح فارسی منسوب به جوزجانی.

الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۰. سرشت نظم؛ ساختارهای زنده در معماری. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری. تهران: پرهام نقش.

الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۱. معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گرچی، مصطفی، و زهره تمیم‌داری. ۱۳۹۱. تطبیق پیر مغان دیوان حافظ با کهن‌الگوی پیر خردمند یونگ. نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی ۸ (۲۸): ۹۶-۱۱۳.

لاوژه، طاهر. ۱۳۸۹. پیر در حدیقه‌الحقیقه، منطق‌الطیر و مثنوی. بیک نور ۸ (۲): ۵۴-۴۳.

محمدی، جمال، و فرزاد میرمجربیان. ۱۳۸۷. تأثیر و نمود مفهوم تفکر و ذکر در ساختار شهر اسلامی. مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، دانشگاه اصفهان: ۳۷۵-۳۵۱.

مرتضوی، منوچهر. ۱۳۳۳. پیر از نظر خواجه شیراز. نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۶ (۳۰): ۱۵۴-۱۸۸.

منور، محمدبن. ۱۳۸۶. اسرارالتوحد فی مقامات الشیخ ابی سعید. تهران: نشر آگاه.

ولی، شهاب. ۱۳۸۹. مفهوم پیر در فرمان منسوب به امام صادق (ع). جاویدان خرد ۷ (۱۴): ۶۳-۸۲.

ولی‌زاده، محمدمهدی، و محمدعلی وطن‌دوست. ۱۳۹۹. بازخوانی تحلیلی بایستگی استاد طریقت در سیر و سلوک عرفانی با تأکید بر مثنوی معنوی. پژوهش‌های ادب عرفانی ۲ (۴۵): ۵۸-۳۹.

الهی قمشه‌ای، حسین. ۱۳۷۸. مقالات. تهران: انتشارات روزنه.

یحیی‌پور، مرضیه، و فرشته مشهدی رفیع. ۱۳۸۸. پیر از دیدگاه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی و نیکالای گومیلیوف. مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان ۱۴ (۵۱): ۱۰۹-۱۲۸.

## منابع انگلیسی

- Aboalghait, Mohammad Saeed, et al. (2021). Creativity between the spirit of heritage cultural and modern design thought.
- Aldy, P., & Dharma, S. M. 2018. Spirit of place of Merdeka corridor in Selatpanjang City. In IOP Conference Series: Earth and Environmental Science (Vol. 126, No. 1, p. 012214). IOP Publishing.
- Alexander, Christopher. 2002. The secret of timeless architecture: The timeless way of building. Translated by Mehرداد Qayyumi Bidhendi. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]
- Alexander, Christopher. 2012. The nature of order. Translated by Reza cyrous Sabri and Ali Akbari. Tehran: Parham Naghsh. [In Persian]
- Corbin, Henry. 1988. Hayy Ibn Yaqzan Ibn Sina. Translation and description attributed to Jawzjani. [In Persian]
- Dastmard, Farzaneh. 2021. Some Manifestations of Mentor and Sheikh and its Role in Sanai's Divan. Islamic Mysticism 16(64): 338-220. [In Persian]
- Edensor, Tim. 2005. industrial ruins: space, aesthetics and materiality. Berg publishers.
- Eero, C. 2021. Too young to care, too old to matter? -Meanings of historic event legacy buildings in the current day context (Doctoral dissertation).
- Elahi Ghomshei, Hosein. 2000. Articles. Tehran: Rozaneh Publications. [In Persian]
- Emam, Seyed Mohammad Kazem. 1967. Sufism (Pir Sheikh Murshid Master). Journal of Art and Architecture 12 (1): 50-61. [In Persian]
- Fadai Mehrabani, MohammadMehdi. 2013. Standing Beyond Death (Carbon's answers to Heidegger from the perspective of Shiite philosophy). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- Fein, zachery e. 2011. the aesthetic of decay: space, time and perception, thesis for master of architecture. university of cincinnati
- Ghusheiri, Abdul Karim bin Hawazan. 1996. Ghusheiri enchiridion. Translation of Hassan Ibn Ahmad Osmani. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]

- Gorji, mostafa, and zohre Tamimdar. 2012. Pire Moghan and Jung's Archetype of Wise Old Man: A Comparative Study. *Mytho-mystic literature* 8(28): 96 -113. [In Persian]
- Ishar, S. I., & Sadad, I. 2017. Spirit of Place Analysis of Bandar Lampung Teluk Market as The Act of Heritage Conservation. In *International Conference on Engineering and Technology Development (ICETD)*.
- Jones et al. 1987. *Mystery and Proverbs in Psychoanalysis*. Translated by Jalal Sattari. Tehran: Toos publications. [In Persian]
- Khademi Shirazi, Mohammad. 2010. Signs of his emergence. Qom: Jamkaran Mosque Publications. [In Persian]
- Khaefi, Parviz. 2008. The story of Pir Hafez. *Journal of Hafez* (57): 46- 50. [In Persian]
- lavje, Tahir. 2010. Saint in Hadiqa Tul Haqiqat, Mantiq-ol-Tayr and Manavi. *Journal of Peyk Noor (Humanities)* 8(2): 54-43. [In Persian]
- Littlefield, D., & Lewis, S. 2007. *Architectural voices: Listening to old buildings*.
- Mohammadi, Jamal, and Farzad Mirmojarbian. 2008. The effect and manifestation of the concept of thinking and remembrance in the structure of the Islamic city. *Proceedings of the first conference of the Islamic utopia*, by Asghar Montazer Al-Ghaem, University of Isfahan: 351-375. [In Persian]
- Mortazavi, Manouchehr. 1955. PIR according to Khajeh Shiraz. *Journal of Persian Language & Literature (Former Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz)* 6 (30): 154-188. [In Persian]
- Munawwar, Muhammad bin. 2007. *The secrets of monotheism in the authorities of Sheikh Abi Saeed*. Tehran: Agah Publications. [In Persian]
- Pakzad, Jahanshah. 2008. *Urban Space Design Guide*. Tehran: Shahidi Publications. [In Persian]
- Pornamdarian, Taqi. 1988. *Secret codes and stories*. Scientific and cultural publications. [In Persian]
- Pourjavadi, Nasroa'llah. 2010. Our old history in a lyric by Hafez. *Javidan khirad* 6(11): 51 - 65. [In Persian]
- R Siti Rukayah, et al. 2020. In *Searching the Spirit of Place: Historic Semarang River with Malacca as Best Practice*. *Journal of Hunan University Natural Sciences*, 47(9).
- Ruskin, J. 1908. *SELECTIONS FROM THE WORKS OF JOHN RUSKIN*. CAMBRIDGE—MASSACHUSETTS: The Riverside Press
- Shapland, M. 2020. Capturing the Spirit of Singular Places: A Biographical Approach to Historic Building Recording. *Post-Medieval Archaeology*. 54(1): 18-41.
- Stanley Price, Nicholas. 1996. *Historical and philosophical issues in the conservation of cultural heritage*. los angeles: the getty conservation institute
- Taheri, Mohammad et al. 2013. The Study of Sage Archetype in Suhrewardiâs Risalehs. *Researches on Mystical Literature* 7(1): 105-134. [In Persian]
- Tsunetomo. 2011. *Hagakure, the Samurai Book*. Translated by Seyed Reza Hosseini. Tehran: Cheshmeh publications. [In Persian]
- vali, shahab. 2011. The concept of PIR in the decree attributed to Imam Sadegh (AS). *Javidan khirad* 7(14): 63-82. [In Persian]
- Valizadeh, Mohammad Mahdi, and Mohammad Ali Vatandoost. 2021. Analytical Re-reading of the Necessity of a Teacher of Conduct in the Mystical Path with Emphasis on Masnavi. *Research in Mystical Literature (Gawhar-Guya)* 2(45): 39-58. [In Persian]
- Vogler, A., & A. Vittori. 2006. *Genius loci in the space-age*. 1st Infra-Free Life Symposium, Istanbul: December 11-15.
- Waltera, r. 1986. *alfarabi on the perfect state*. Oxford: clarendon press
- Wids, Edgar. 1963. *Art and Anarchy*. London: Faber and Faber
- Yahyapour, Marzieh, and Fereshteh M. Rafi. 2009. The Role of a Spiritual Guide in the View of Shams al-din Hafez-e Shirazi and Nikolay Gomilov. *Journal of Research in Contemporary World Literature* 14(51): 109-128. [In Persian]